

پدیدهٔ کودکان خیابانی در تهران

دکتر مصطفی اقلیما*

چکیده

هدف: پدیدهٔ کودکان خیابانی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که امروزه مددکاری اجتماعی و دیگر رشته‌های علوم اجتماعی در ایران به آن می‌پردازند. این پدیده برحاسنه از عوامل گوناگون است و در چند گروه بررسی می‌شود. در این پژوهش کودکان خیابانی در پنج دسته یعنی (کسانی که اشتغال در کارهای کاذب دارند، کسانی که اشتغال به کارهای و قبیله دارند، کودکان خیابانی بزهکار، گلابان، و خیابانگردان) مورد بررسی قرار می‌گیرند و به عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر این پدیده پرداخته می‌شود. روش: در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای به کار گرفته شده و پژوهش ۵۰۰ کودک خیابانی در تهران را دربرمی‌گیرد.

نتایج: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش آمار توصیفی و آمار استنباطی (کایسکوئر) به کار رفته است. نتایج به دست آمده نشانگر آثار طبقهٔ اجتماعی و آشفته‌گی‌های خانوادگی در بروز این پدیده است. همچنین شیوه‌های تربیتی و رفتاری پدر و مادر نیز در بروز این پدیده مؤثر است.

پیشگفتار

بی‌گمان نیمهٔ دوم سدهٔ بیستم را می‌توان دوران کودکان خواند. کمابیش در سراسر جهان بویژه در کشورهای که به توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی متنوع تری دست یافته‌اند بخش بزرگی از منابع مادی و معنوی برای حل مسائل کودکان و حمایت‌های روانی و جسمی از آنان به کار می‌رود. اما واقعیت این است که بسیاری از کارشناسان و دولتهای

جهان بر این باورند که پدیدهٔ کودکان خیابانی بزرگترین مشکل در سدهٔ ۲۱ خواهد بود. بروز و گسترش پدیدهٔ کودکان خیابانی معلولی از عوامل گوناگون و درهم پیچیدهٔ اجتماعی-اقتصادی است که اگر چنان که باید و شاید بررسی نشود راهکارهای مؤثر برای از میان برداشتن آن ارائه نگردد، می‌تواند پیامدهای زیان‌بخش و جبران‌ناشدنی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، خانوادگی و انسانی برای جامعه داشته باشد. این پدیده

* عضو هیأت علمی دانشگاه، رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران و بازرس مجمع انجمنهای علمی گروه پزشکی



مجموعه چکیده مقالات



انجمن جامعه‌شناسی ایران

دومین همایش ملی

آسیب‌های اجتماعی ایران

بهار ۱۳۹۱



کودکی سوخته

دکتر فاطمه قاسم زاده عضو شبکه

بازی کودکان کار و خیابان: کودکان کار و خیابان را می‌توان فرجه‌چهارچشمه رشد جسمی، رشد عاطفی، رشد شناختی و رشد ذهنی مورد بررسی قرار داد. آنچه که سن کار این کودکان به موقع و طبیعی نیست، معمولاً این چهار مؤلفه نظر جسمی رشد خوبی ندارند و نسبت به همسالان خود رشد کمتری دارند. در ضمن فرسودگی فرجه‌های چهارچشمه مشکلات چشم، گوش و پوست رایج می‌رند. فرسودگی دیگر اغلب کودکان کار و خیابان به مدرسه نمی‌روند و فرسودگی محروم هستند که این امر تأثیر منفی زیادی روی رشد شناختی و ذهنی آن‌ها دارد. بقی دیگر مشکلات مهم آن‌ها در نتیجه عدم توجه نبود محبت و توجه کافی خانواده‌ها و رفتار و نگرش نه چندان مثبت جامعه نسبت به آن‌ها به وجود می‌آید. کمبودهای عاطفی آن‌هاست. این کودکان اغلب دارای اعتماد به نفس پایین و بی اعتمادی نسبت به دیگران هستند و گاه چنین محبتی فرجام اجتماع ندیده‌اند. خوشبختانه هم محبتی نسبت به اجتماع ندارند. آن‌ها گاه به دلیل زندگی در محیط‌های آسیب‌زای دارای روحیه پر خستگی و حتی انتقام‌گری و تحریب هستند. این چهار فرسودگی فرسودگی استیلاهی که سایر کودکان دارند مانند بازی و تفریح و تحصیل محروم هستند. آن‌ها به قول تئودر هزل عمل قدیمی «خیره شده مویز» می‌شوند. «دارای کودکی بریده شده، کوتاه و سوخته هستند. گرفتن فرصت طلایی بیجکی کردن فرزند خود را باعث ایجاد عفت‌ها و خلاقیت‌ها را می‌شود و اغلب این چهارچشمه را مقرر مشکلات و محرومیت‌های خود می‌دانند. تحقیقات نشان می‌دهد کودکی و سپس نوجوانی دوران‌های تعیین کننده ای مرتزدهی انسان‌هاست که اگر نتوان نیازها و حقوق متناسب با این دوران‌ها را شناخت و بیشتر متصب برای آن فراهم کرد، تأثیرات منفی پایداری در دوران بزرگسالی فرد بر جای خواهد گذاشت. اغلب زندگی آینده این چهارچشمه زندگی ناسلامان کودکی آن‌ها خواهد بود و این امر روی تربیت و پرورش کودکان آن‌ها هم تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. زندگی تلخ کودکی این افراد نه تنها زندگی خودشان و خانواده‌ها آن‌ها در سال‌های بعدی زندگی تحت تأثیر قرار خواهد داد بلکه جامعه را هم بی‌نسیب نخواهد گذاشت. خشم فروخورده آن‌ها ممکن است زوری بصورت انتقام و تحریب یا کناره‌گیری و فرود بردارند. بنابراین باید هر چه زودتر فکر اساسی برای این کودکان کرد و در کنار تصمیم‌گیری‌های کلان برای فقرزدایی و رفاه عمومی، تسهیلاتی فراهم شود که این چهارچشمه حداقل در کنار کار تحت آموزش‌های مناسب نیز قرار گیرند.

عملکردبهبیستی ساماندهی کودکان خیابانی کار ساده‌ای نیست

و با بندسپرست هستند نیز اقدام می‌شود. اگرچه در مردآزادی فرزند این کودکان خانواده دارند و بیش از ۲۴ درصد نیز اتباع بیگانه هستند اما بهزیستی کشور در مواردی که کودکان به دلیل بی‌سپرست یا بندسپرست بودن سرپناهی نداشته باشند، بر اساس احکام صادر شده در آگاه‌گاه عمل کرده و کودک را نگهداری می‌کند و مسوولیتی هم در قبال اتباع بیگانه‌ای که فاقد کارت اقامت باشند ندارد.

۷۰ درصد کودکان خیابانی در هفته اول شناسایی می‌شوند.

در حال حاضر بیش از ۳۰۰۰۰ فرزند کودکان خیابانی در هفته اول فرط‌پرورش آموزش اجتماعی، تبحرها و پانگه‌های سیار و پایگاه‌های خدمات اجتماعی مستقر در پایانه‌ها شناسایی شده و به این واسطه میزان آسیب‌پذیری کودکان نیز کمتر می‌شود.

سازمان بهزیستی در سال گذشته ۱۰ هزار و ۲۱۴ کودک خیابانی را در مراکز بهزیستی پذیرش کرده و در شش ماهه اول اسفند نیز بیش از چهار هزار نفر کودک خیابانی در مراکز پذیرفته شده‌اند که اکثر این کودکان در خیابان کار کرده و با خانواده‌های خود رابطه دارند، در عین حال با ترک تحصیل کرده و با فعالیت‌های سطح پایینی بر خورند. هستند همچنین این به اعلام بهزیستی تنها ۲۱۵ درصد کودکان خیابانی سابقه قبلی جرم یا بزه نداشته و متنسقه به اشتباه به این قبیل کودکان لگ مجرم و بزهکار هستند که البته بهزیستی این لگ را قبول نداشته و پذیرفته است. مطلق با آمارهای مربوط به کودکان پذیرش شده فرسودگی بهزیستی اغلب کودکان کار تن خواب هستند و بر اساس آمار سال قبل، ۷۱۵ درصد کودکان جایی برای زندگی نداشته‌اند.

انتظار برای تصویب لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان»

سازمان بهزیستی کشور اعلام می‌کند که در حال حاضر خلایق‌های قانونی در این بخش وجود دارد به طوری که بخشی فر قوانین اجرایی شده و بخشی نیز اجرا نمی‌شود. این سازمان تمام امیدش به لایحه‌ای تحت عنوان حمایت فر کودکان و نوجوانان» است که در گذشته توسط شورای عالی قضایی تصویب شده است. سازمان بهزیستی متذکر است که اگر این لایحه مورد موافقت دولت قرار گیرد می‌تواند در صورت تصویب پنج سال آینده نیز گام موثری در این ارتباط به حساب آید چرا که در لایحه فوق تمام قوانین گذشته بررسی و ایرادات مربوط به

حاکم مورد اعتراض بهزیستی واقع شده آن است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این آیین‌نامه را تأمین و در اختیار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی قرار دهد. بنا به اعلام بهزیستی کشور اگرچه آیین‌نامه فوق فرسال ۸۴ نوشته شده اما فرسال ۸۷ در ایران استلزامت خورده و اقدامات مربوطه شش سال قبل فر تصویب آیین‌نامه انجام شده است.

اما آنچه که بهزیستی مکرر فرآن یاد می‌کند این است که متنسقه در مسیر اجرای این آیین‌نامه تمام ۱۴ دستگاه وظایف خود را انطباق که باید و شاید انجام ندهاند چرا که

در واقع ماهه ۱۱ این آیین‌نامه به درستی اجرا نشده است. بهزیستی بر این باور است که ساماندهی کودکان خیابانی کار ساده‌ای نبوده و به راحتی نمی‌توان در این ارتباط اقدام کرد و در عین حال در این سازمان اعتقادی مبنی بر جمع‌آوری قه‌ای کودکان وجود ندارد بلکه مطلق با تعریف آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی سیستم تعریف شده سیستم جذب و شناسایی است نه جمع‌آوری. بر اساس اعلام دفتر امور آسیب‌پذیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در حال حاضر بیش از ۵۱۰۰۰ نفر فر شناسایی و فریال‌گری کودکان خیابانی در کشور وجود دارد که پس فر غربالگری کودکان اقدامات برای توانمندسازی، نگهداری و با فرگشت آن‌ها به معرضان فراهم می‌شود و با نسبت به آن دست‌فر کودکان که سرپرستی ندارند

هیات وزیران در سال ۸۴ آیین‌نامه‌ای را تحت عنوان «آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی» به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رساند که مطلق با آیین‌نامه ۱۴ دستگاه امور فر نیروی انتظامی وزارت دادگستری، شهرداری وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بیمه خدمات درمانی، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان صدا و سیما، جمعیت هلال احمر وزارت آموزش و پرورش، کمیته امداد وزارت رفاه و سازمان بهزیستی کشور موظف شده‌اند تا برای ساماندهی کودکان خیابانی اقدامات را مطلق با این آیین‌نامه انجام دهند.

مطابق با قانون عمل می‌شود نه کمتر و نه بیشتر

مطابق با ماهه نهم فر فصل پنجم این آیین‌نامه سازمان بهزیستی کشور موظف است با مشارکت و همکاری سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط نسبت به راه‌اندازی مراکز سطوح چهار گانه موضوع این آیین‌نامه در کلیه مراکز استان‌هایی که با مشکل کودکان خیابانی مواجه هستند اقدام کند همچنین بر اساس ماهه نهم نیز سازمان بهزیستی کشور مجاز است فر محل اعتبارات ساماندهی کودکان خیابانی نسبت به جذب نیروی متخصص مورد نیاز بصورت قراردادی با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام کند.

ساده یا زود فر فصل پنجم نیز که در حال





علی شمسا



کودکان خیابانی که امروز در شهر شلوغ ما با نگاه بیابانی زندگی می کنند، زخم سوطانی جامعه ما هستند. کودکانی که با فروش دسته گل از مظلومیت و محرومیت خود دفاع می کنند، کودکانی که بوی بغض می دهند و کفش های می و تو را واگس می رند. کودکانی که محور به پیچوده فروسی هستند. کودکانی که هزار آرزو دارند و دست به گدایی می زنند. کودکانی که شب ها بر پوستهای حقوق بشر و زیر تابلوهای سرمایه داری گرسنه به خواب می روند! کودکانی که در میان زباله دانی ها، سرنوشت و خوشبختی خود را می جویند. سرزمینی که بزرگ می زاید، اما او را کوچک تربیت می کند!

کودکان خیابانی، کودکان خدا هستند!

در خیابان های شهرمان، کودکان بسیاری را می بینم که صحنه های التماس و گریه را به تصویر می کشند. گویی در این کلان شهر، انسانیت، اخنه شده است. چشمه ها شان، چشم حسرت و سوال و در گوشه ای از شهر کودکی گریان ایستاده است و همچون باران اشک می ریزد. بوی کباب دل ها می آید. و قریبتانی است که هیچ پنجره ای به سوی واقعیت زندگی او باز نمی کند: کودکانی بی پنجره، بر جبهه زخم، آلبانوس اضطراب بی فصل، بی بهار، مأموریت و سرنوشت او در این طبیعت چیست؟ همگی چهارچشمی به او نگاه می کنیم. و خوش به این داریم نکند تپانها مان دیر نشود. در نگاه ما چه راحلی است؟ چه کسی محکوم است؟ آیا او جزئی از واقعیت نروتمند جامعه ما است؟ در میان هزار چشم، دست به خودکشی زده است. آیا او خود می خواهد با دیگران برای او خواستند. کودکان خیابانی که امروز در شهر شلوغ ما با نگاه بیابانی زندگی می کنند، زخم سوطانی جامعه می ما هستند. کودکانی که با فروش دسته گل از مظلومیت و محرومیت خود دفاع می کنند. کودکانی که بوی بغض می دهند و کفش های می و تو را واگس می رند. کودکانی که محور به پیچوده فروسی هستند. کودکانی که هزار آرزو دارند و دست به گدایی می زنند. کودکانی که شب ها بر پوستهای حقوق بشر و زیر تابلوهای سرمایه داری گرسنه به خواب می روند! کودکانی که در میان زباله دانی ها، سرنوشت و خوشبختی خود را می جویند. سرزمینی که بزرگ

می زاید، اما او را کوچک تربیت می کند! سرزمینی پر ز قمارهای نفت و کودکانی که آسایش و آرامش را از چشمان راحت طلب من و تو چاره می کنند! خیابان ها پر از کودکان خیابانی است! دخترکاتی که نامی من ما هستند و ما آن ها را به یاد می دهیم. خدایان پر از کودکانی است که با رفتار خود لشک می ریزند و می خواهند که تو با نگاهت به آن زخم کنی. زمانی که کودکان را ردیابی می کنیم، ما را به پستوی می برند که بیشانی شان پر از داغ است و مرگه آه است و تاله و فریاد که به جایی نمی رسد؛ و ما دلخوشیم که سفردها، پهن می کنیم، قبول باشد آقا. سوزده تابلوهای نقاشی و واژه های برای ناعاران و نویسندگان و صحنه های بری تکس و فیلم فقط همین ادر. من جامعه این کودکان از کلامین مبدأ و به کداسی مقصد می رسند؟ چه قانونی از آن ها دفاع می کند؟ به این کودکان خوب نگاه کنید چه بر سر این شاهکار خلقت آمده است، در این بازار زندگی در کدامین قسمت اند؟ با کدامین تفکر به دنیا آمده اند. و محصول کدامین غریزاتند؟ کودکان غر آزمایندگان خیابان، وجدان انسانی ما را تجربه می کنند. این کودکان در کارلای اشک های انسان های بدبخت جامعه ما جاری ند، که به رودخانه کهن ایران می ریزند. این کودکان به فروش غرور خود زندگی می کنند. عشق می فروشند و شکم خود را سیر می کنند و رنج این کودکان بر دستان جامعه مدعی ما باد کرده است. مسئولان ما، لطفاً کلمه کودک را تلافی کنید. این کودکان که گاهی

عنوان مقاله

علل بوجود آورنده پدیده کودکان کار
و خیابانی
و اثرات و تبعات آن در پیکره جامعه

تهیه و تنظیم:

علی حلفی

تیر ماه 87

کودکان و نوجوانان کار و خیابانی در ایران/ علی صمد

بخش اول

مقدمه

12 ژوئن (23 خرداد) روز جهانی مبارزه با استثمار کودکان است. برای فعالان اجتماعی و مدافعان حقوق کودک توجه نشان دادن به چنین روزهایی از سال، بسیار حائز اهمیت است! زیرا در چنین روزی مشخصاً به زندگی کودکان کار و خیابانی توجه بیشتری صورت می‌گیرد و همین امر می‌تواند موجب ایجاد فرصت و فضائی مناسب برای برجسته کردن وضعیت ناهنجار و پر رنج زندگی کودکانی شود که می‌بایست در یک شرایط عادلانه و انسانی آموزش و تربیت شوند و برای ساختن ایران آزاد و دموکراتیک آینده تلاش کنند، اما آنها با وضعیت سختی که در زندگی دارند نه امروز و نه در فردای ایران شانس برخورداری از یک زندگی انسانی و شرافتمندانه را نخواهند داشت و جامعه بدین ترتیب با آسیب‌های بسیار عظیمه‌ای مواجه می‌شود.

همه شواهد موجود نشانگر این واقعیت تلخ است که آنها نه تنها نمی‌توانند تصویری نسبتاً خوب و شگرفا از آینده داشته باشند، بلکه در زندگی امروز خود نیز با خستگی و رنج بسیار، روزها را پشت سر می‌گذرانند. برای آنها تصویر دنیای آینده مبهم و تاریک است و جز دشواری، تحقیر، آزار و اذیت و پزردگی زودرس، تجربه دیگری را در زندگی نمی‌بینند. پرداختن به موضوع کودکان کار و خیابانی بسیار مهم است و می‌بایست از هر فرصتی برای برجسته کردن زندگی بسیار دشوار آنها، تلاش‌ها را دو چندان کرد. با این نگرش تصمیم گرفتیم بار دیگر به بررسی وضعیت کودکان کار در ایران بپردازیم و حاصلش مقاله زیر شد.

در نوشته‌ای که در ادامه می‌آوریم تصویری از کودکان کار آمده است که بسیار صمیمی و ساده از زبان کودکی دیگر بیان شده است. مناسب دیدم با این مقدمه نوشته‌ام را شروع کنم:

"دوست من، دیروز وقتی از خیابان می‌گذشتم تو را دیدم که با ساک کوچکی از وسایل نقاشی ات در گوشه و کنار خیابان درگرمای دود و دم نشسته‌ای و کاری نمی‌کنی. امروز من با کیف مدرسه‌ام با حجمی از دفتر و کتاب و مداد به مدرسه می‌روم تا درس یاد بگیرم. اما تو هنوز هم، در خیابان نشسته‌ای و کاری نمی‌کنی. من به کلاس می‌روم و



کودکی که با ابزار آلات خطرناک کار می‌کند بدون هیچگونه وسایل ایمنی

در کنار دوستانت می‌نشینم. درس می‌خوانم. نقاشی می‌کنم. علم یاد می‌گیرم و به خانه ام باز می‌گردم تا در کنار پدر و مادرم غذایی گرم بخورم، رشد کنم و بزرگ شوم. اما هنوز تو در خیابان نشسته‌ای و کاری نمی‌کنی. مادرم مرا به پارک می‌برد. با هم بازی می‌کنیم. من تلب سوار می‌شوم. ترانه شادی می‌خوانم و روز خوبی را می‌گذرانم و بعد به سوی خانه برمی‌گردم. اما هنوز هم تو در خیابان نشسته‌ای و کاری نمی‌کنی. فردا درس انشاء داریم. موضوع انشاء ما این است "علم بهتر است یا ثروت". یاد تو افتادم که هیچ کدام آن را نداری. اصلاً برای تو فرقی هم می‌کند که کدام یک بهتر است. من یک سال بزرگ شدم و به کلاس بالاتر رفتم، اما نمی‌دانم تو به چه چیز بالتری در خیابان می‌رسی.

دوست من خیلی دلم می‌خواهد تو هم مثل من درس بخوانی، بازی کنی، شاد باشی و برای همین از پدر و مادرم و همه معلم‌هایم و همه هم‌کلاسی‌هایم خواستم تا فکری به حال شما بکنند و شما را از این وضع نجات بدهند تا شما هم مثل ما احساس شادمانی بکنید و از کودکی خود لذت ببرید و به آینده امیدوار باشید."

به امید آن روز

(خبرنامه انجمن ملی حمایت از حقوق کودکان در ایران، شماره 42 سال پنجم، مهرماه 1378)

آمارهای جهانی در مورد کودکان کار و خیابانی

تمام آمارهای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، یونیسف، ... این واقعیت را به تصویر می‌کشند که کشورهای بدحکام، همگی دارای وضعیت کمابیش نامناسبی به لحاظ اقتصادی هستند. در این جوامع رواج کار کودکان به دلیل رشد جمعیت، تشدید فقر، بیکاری، تورم، ... از رونق بیشتری برخوردار است.

طبق آمارهایی ارگان‌های فوق، بیش از سه چهارم کل جمعیت تقریباً شش میلیارد نفری جهان در کشورهای جهان سوم و کمتر از یک چهارم در کشورهای پیشرفته زندگی می‌کنند. نرخ زاد و ولد و مرگ و میر در این دو گروه از کشورها به نحو چشمگیری متفاوت است. نرخ زاد و ولد در کشورهای کمتر توسعه یافته به طور کلی بسیار بالاست، یعنی در حدود 30 تا 40 نفر در هر 1000 نفر، در حالی که در کشورهای توسعه یافته کمتر از نصف این رقم است. نتیجه اصلی نرخ بالای



همه‌ی کودکان حق دارند از شرایط خوب زندگی برخوردار باشند. حق دارند بازی کنند و آموزش ببینند. تا شرایط مناسب شکوفایی توانایی‌ها و رشد جسمی و معنوی و اخلاقی و اجتماعی آنها فراهم گردد.
(ماده‌ی ۲۷ پیمان نامه‌ی حقوق کودک)

مقدمه

همه‌ی ما هر روز در معابر و خیابان‌ها شاهد حضور کودکانی هستیم که با ظاهری ژولیده و غبارآلود با دسته‌های گل، اسباب‌بازی، دست‌مال برای پاک کردن شیشه‌ی ماشین و... به طرف اتوبه ماشین‌ها حرکت می‌کنند تا شاید فقط یک یا دو ماشین با چانه زدن گلی بخزند و دست‌مالی بر روی شیشه‌ی ماشینی کشیده شود. گاهی این کودکان متکندی و دست‌فروش را روی پل عبور پیاده، کنار بیل‌مرو و یا سایر مکان‌های پررفت و آمد، به گونه‌های متفاوت می‌بینید. این عارضه منحصراً به کشور ما نیست. از کوچه‌های غبارآلود افغانستان تا خیابان‌های پرزرق و برق نیویورک این پدیده‌ی شوم وجود دارد و به نام کودک خیابانی شناخته شده است؛ معمول‌ترین آسیب اجتماعی که تقریباً نتایج یکسان و مشابهی دارد.

برابر برآورد سازمان جهانی «دفاع از حقوق بشر»، در حدود ۱۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان در خیابان کار و

{خانواده و تربیت}

آسیب‌شناسی کودکان خیابانی

ابوالفضل امیردیوانی



آشنایی با سازمان‌های خدمات اجتماعی*

نادر پوراصغریان

مدرس دانشگاه

تأمین رفاه اجتماعی را قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌کند، به گونه‌ای که مقدمه قانون اساسی در بیان این که اقتصاد وسیله است نه هدف، در رابطه با رفاه اجتماعی چنین بیان می‌کند: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او، بر عهده حکومت اسلامی است.»

در رابطه با مهم‌ترین نهاد اجتماعی و اصلی‌ترین رکن جامعه یعنی خانواده چنین بیان می‌کند:

«حمایت از خانواده به‌عنوان واحد بنیادی جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد پاینده انسان است از وظایف حکومت اسلامی است.»

همراه با مقدمه، بندهایی از اصل سوم قانون اساسی نیز به صراحت سیاست کلی حکومت اسلامی را در بُعد رفاه اجتماعی چنین ترسیم می‌کند:

۱- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها از طرق مختلف از جمله تعمیم آموزش و پرورش رایگان.

۲- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۳- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت

در شماره قبل، به طور خلاصه به تحولات موسسات رفاه اجتماعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شد.

فصل چهارم شامل سازمانها و نهادهای دولتی خدمات اجتماعی آورده شد.

فصل پنجم: رسالت‌ها و وظایف این سازمان‌ها

به‌طور خلاصه می‌توان گفت وظایف و سیاست‌های رفاه اجتماعی در بعد از پیروزی انقلاب عبارت است از:

۱- کمک به تعدیل نابرابری‌ها از طریق تأمین حداقل نیازهای اساسی جهت گروه‌های که درآمد و آسیب‌پذیر.

۲- گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی به کلیه گروه‌های اجتماعی که توانایی پرداخت حق بیمه را دارند.

۳- کمک به دستیابی به هدف‌های اقتصادی - اجتماعی از طریق سرمایه‌گذاری در پرورش منابع انسانی.

۴- تقویت روحیه خدمت داوطلبانه و بسیج مردم جهت ایفای نقش اجتماعی خود و مشارکت آنها در بهزیستی محله‌ای، منطقه‌ای و ملی.

بر همین اساس است که بهترین خط مشی و سیاست مربوط به

* این مقاله به صورت آموزشی ویژه مددکاران اجتماعی سراسر کشور تهیه شده است.

مطالعه انسان‌شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج

نقیسه ایمانی،* امیلیا نرسیسیانس**

چکیده

مقاله حاضر حاصل تحقیقی انسان‌شناختی است که با استفاده از روش‌های ژرف‌اندگر، جامع‌نگر و کیفی، به بررسی نگرش‌ها، نحوه فعالیت و تعاملات کودکان کار خیابانی در شهر کرج می‌پردازد. این تحقیق به عواملی همچون مهاجرت از جوامع توسعه‌نیافته با فرهنگ بسیار متفاوت به جوامع توسعه‌یافته‌تر و پذیرش اجتماعی کنار و حتی نکدی‌گری کودکان در خیابان به‌عنوان عوامل اصلی بروز این پدیده اشاره می‌کند. در این مقاله نحوه انتخاب شغل، نگرش کودکان به کارشان، روابط با خانواده، روابط درون‌گروهی، روابط با مشتریان و روابط با دیگر افراد حاضر در محیط کنار مورد بررسی قرار گرفته است.

کودکان کار خیابانی یک شبکه رقابت، همکاری و دوستی تشکیل می‌دهند. مشتریان، شاغلان دیگر حرفه‌ها، بزهکاران و... از افرادی هستند که تعامل پیوسته یا ناپیوسته با کودکان دارند و تأثیرات متفاوتی بر کودکان و جامعه‌پذیری آنان دارند.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی دوران کودکی، انسان‌شناسی شهری، کودکان خیابانی، کودکان کار خیابانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انسان‌شناسی

* کارشناس ارشد انسان‌شناسی nafiseimani@yahoo.com

** استادیار مردم‌شناسی دانشگاه تهران enerciss@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۱۴

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱: ۳۳-۷